

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال پنجم، شماره ۴، پیاپی ۱۹، زمستان ۱۴۰۰
صفحات: ۱۹۶-۱۷۹
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۶؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱
نوع مقاله: پژوهشی

بررسی تطبیقی راهبردهای سیاست خارجی ایران در برابر اسرار دولتی و تاثیر آن بر آزادی اطلاعات در ایران و نظام حقوقی روسیه

هنگامه مهدیزاده لنگرودی*

چکیده

امروزه آزادی و حق دسترسی به اطلاعات جزو حقوقی است که به تحقق مفهوم شهروندی که یکی از موضوع های اصلی در گفتمان دموکراسی مشارکتی است یاری می رساند. به واقع هر قدر بر کمیت و کیفیت اطلاعات در دسترس شهروندان افزوده شود به همان میزان دموکراسی فراگیرتر و مشارکت بیشتر می شود. بنابراین به رسمیت شناختن این حق نه تنها موجب تغییر ساختار حکومت ها که سبب تغییر در نقش سنتی دولت ها نیز می شود به این معنی که دولت ها در پرتو اجرای قوانین آزادی اطلاعات و حق دسترسی، برخلاف گذشته که مالک اطلاعات بودند به تدریج به واسطه ای اطلاعاتی تبدیل خواهند شد. دسترسی شهروندان به اسناد و اطلاعات موجود در ادارات، سازمان ها و نهادهای دولتی حقی است که برای شهروندان وجود دارد. اما این که این حق توسط نهادهای دولتی مورد توجه قرار می گیرد یا خیر؟ و یا تاثیر دسترسی یا عدم دسترسی شهروندان به اسناد و اطلاعات اداری در کارایی نظام اداری چگونه خواهد بود؟ سوالی است که مطرح می گردد. مطالعات انجام شده به صورت کتابخانه ای و تحلیل مطالب گردآوری شده، صورت گرفت و نهایتاً مشخص گردید کارایی نظام اداری کشور که در آن دسترسی به اطلاعات، به دلیل عدم شفافیت و پاسخگویی کامل نهادها و سازمان های اداری، و همچنین نبود قوانین لازم و کافی در زمینه آزادی دسترسی شهروندان به اطلاعات، کارایی نظام اداری به صورت کامل محقق نگردیده است.

کلید واژه ها

آزادی اطلاعات، دسترسی به اطلاعات، دستگاههای اجرایی، راهبرد سیاسی.

* کارشناسی ارشد گروه حقوق، حقوق عمومی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)
hengamemehdizade2022@yahoo.com

مقدمه

آزادی اطلاعات اصطلاحی است که نخستین بار در ایالات متحده آمریکا به کار رفته و در مورد محتوای خود نیز تا اندازه‌ای گمراه کننده است. شاید تصور شود که منظور از آن، آزادی همه‌ی انواع اطلاعات است؛ اما این تصور درست نیست، منظور از آزادی اطلاعات، آزادی دسترسی افراد و جامعه به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و برخی مؤسسات غیر عمومی است. آزادی اطلاعات و مؤلفه‌ی آن «حق دسترسی به اطلاعات» در معنای توانایی شهروندان در دسترسی به اطلاعات که در اختیار حکومت است، در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است. و از طرفی مقوله‌ی اسرار دولتی را داریم که می‌تواند به صورت مستقیم بر پدیده‌ی آزادی اطلاعات تاثیر داشته باشد. وضعیت حقوقی اسرار دولتی در ایران را می‌توان از دو زاویه مورد نقد و بررسی قرار داد؛ از یک سو قوانین و مقررات مربوط به اسرار دولتی در زمینه برخی از اصول و قواعد اسرار دولتی ساکت است، از سویی دیگر حاوی مقرراتی است که با ایراد مواجه بوده و نیاز به بازنگری دارند. به دیگر سخن از یک زاویه خلاء‌های در نظام حقوقی ایران در خصوص اسرار دولتی وجود دارد که باید آنها را شناخت و قواعد مناسبی برای رفع آنها پیشنهاد داد و از زاویه دیگر باید به رفع ایرادها ی قوانین و مقررات موجود و اصلاح آنها اقدام کرد. از سویی دیگر لازم به ذکر است که کشورهایی که درصد حمایت از آزادی اطلاعات بر آمده اند ناگزیر به موازات تدوین قانون آزادی اطلاعات، قوانین و مقررات خود را در زمینه‌ی اسرار دولتی مورد تجدید نظر قرار داده اند. برخی کشورها قانون جدید در این باره تدوین کرده اند و برخی نیز به اصلاح قوانین موجود روی آورده اند. در تدوین قانون اسرار دولتی همواره این نگرانی وجود دارد که قلمرو آن از لحاظ‌های مختلف آنچنان گسترده شود که قلمرو آزادی اطلاعات را شدیداً تحت الشعاع خود قرار دهد. بدین منظور در اینجا قوانین اسرار دولتی در کشور روسیه و ایران مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد تا مشخص شود چگونه و تا چه اندازه از آزادی اطلاعات در مصاف با اسرار دولتی حمایت کرده اند. که لازم به ذکر است که در کشور روسیه در ژولای ۱۹۹۳ قانون جدید این کشور برای حمایت از اسرار دولتی وضع شده که علی‌رغم حفظ برخی از میراث‌ها نظام گذشته، روش‌های جدیدی را برای انطباق با نیازهای حادث و ایجاد جامعه‌ی شفاف به ارمغان آورده است. که در اثنای فصول پژوهش به آنها خواهیم پرداخت. لذا با توجه به موارد بیان شده به صورت کلی در این پژوهش در پی بررسی همه جانبه و موشکافانه از مسائل مرتبط با موضوع می‌باشیم که در این پژوهش به آنها خواهیم پرداخت.

۱: قوانین اسرار دولتی و تاثیر آن بر آزادی اطلاعات در روسیه:

کشورهایی که درصدد حمایت از آزادی اطلاعات برآمده اند ناگزیر به موازات تدوین قانون آزادی اطلاعات قوانین و مقررات خود را در زمینه اسرار دولتی مورد تجدیدنظر قرار داده اند. برخی کشورها قانون جدید در این باره تدوین کرده اند و برخی نیز به اصلاح قوانین موجود روی آورده اند. در تدوین قانون اسرار دولتی همواره این نگرانی وجود دارد که قلمرو آن از لحاظ های مختلف آنچنان گسترده شود که قلمرو آزادی اطلاعات را شدیداً تحت الشعاع خود قرار دهد. بدین منظور در اینجا قوانین اسرار دولتی در کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، مولداوی و اسلوانی مورد مطالعه تطبیقی قرار می گیرد تا مشخص شود که چگونه و تا چه اندازه از آزادی اطلاعات در مصاف با اسرار دولتی حمایت کرده اند.

۱-۱: نقض موازین بین المللی در حمایت از امنیت ملی در روسیه

مفاد قانون حمایت از اسرار دولتی چین، با الزامات مقرر در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مغایر است. زیرا، آزادی بیان و اطلاعات را بدون توجه به معیارهای مشرویت، محدود کرده است.

از اوایل دهه ۱۹۹۰، فدراسیون روسیه به تدریج گام هایی را برای بازسازی نظام دیوان سالار و تبدیل آن به یک نظام پاسخگو و متناسب با شرایط زمان برداشته است. در ژولای ۱۹۹۳ قانون جدید این کشور برای حمایت از اسرار دولتی وضع شده که علیرغم حفظ برخی از میراث های نظام گذشته، روش های جدیدی را برای انطباق با نیازهای حادث و ایجاد جامعه شفاف به ارمغان آورده است.^۱

قانون مذکور در هشت فصلتدوین شده که هر یک حاوی مباحث زیر هستند: فصل اول، به تعریف اصطلاحات به کار رفته در قانون و احصا اختیارات مقامات دولتی در طبقه بندی اسرار دولتی پرداخته و فصل دوم، مقوله های اطلاعاتی را که به عنوان اسرار دولتی قابل طبقه بندی هستند، احصاء کرده است. اصول حاکم بر طبقه بندی اطلاعات، اطلاعات غیرقابل طبقه بندی، درجات طبقه بندی، تشکیل کمیسیون بین وزارتخانه ای برای حمایت از اسرار دولتی، حق مطالبه خسارت از دادگاه توسط اشخاصی که اقدامات و تصمیمات مقامات طبقه بندی کننده یا نگهدارنده اطلاعات به آنها خسارت زده است در فصل سوم پیش بینی شده است. فصل چهارم، خارج ساختن اطلاعات از طبق بندی فصل پنجم نقل و انتقال اسرار دولتی میان ادارات و واحدهای دولتی در داخل کشور و نیز نقل و انتقال اسرار دولتی به خارج از کشور را پیش

^۱ - فصیحی شیرازی، حسین، ۱۳۸۶، قانون اساسی و متمم و ضمام آن، تهران، سازمان مستقل چاپخانه دولتی، ص ۲۶۴.

بینی کرده است. حمایت از اسرار دولتی و واحدهایی که مکلف به این امر هستند، دسترسی به اطلاعات طبقه بندی شده و دلایل رد درخواست های شهروندان در دسترسی به اسرار دولتی، محدودیت هایی که در صورت دسترسی آنها به اسرار طبقه بندی شده ممکن است بر حقوق مدنی آنها وارد شود و مسئولیت های ناشی از دسترسی، محتوای فصل ششم را تشکیل می دهد. سرانجام آنکه روش های تامین بودجه لازم برای حمایت از اسرار دولتی در فصل هفتم و کنترل و نظارت بر حمایت از اسرار دولتی که شامل کنترل پارلمانی، کنترل بین وزارتخانه‌ای و وزارتخانه ای و کنترل دادستانی کل می شود در فصل آخر پیش بینی شده است.

از نکات مهم قانون مذکور می توان به محدود کردن سطح طبقه بندی اطلاعات و مقوله های اطلاعات قابل طبقه بندی اشاره کرد. همچنین طبقه بندی اطلاعاتی که در چهارچوب مقوله های ذکر شده در قانون نیستند ممنوع اعلام شده است.^۱

دولت روسیه در سال ۱۹۹۳ مصوباتی را منتشر ساخت که جزئیات بیشتری را درباره چگونگی طبقه بندی اسرار جدید و اینکه چه کسی می تواند اطلاعات قابل طبقه بندی را معین کند ارائه می دهد. قانون ۱۹۹۳ تصریح کرده است که باید فهرست کاملی از اطلاعات طبقه بندی شده، تهیه گردیده، در مطبوعات منتشر شود. اولین فهرست اطلاعاتی که اسرار دولتی محسوب می شوند در ۳۰ نوامبر ۱۹۹۵ توسط یلتسین رئیس جمهور وقت روسیه منتشر شد. در سپتامبر ۱۹۹۵ تصمیم شماره ۸۷۰ دولت روسیه، اتخاذ شد که مبنای تعیین سطح طبقه بندی اطلاعات، مسئولیت رئیس هر کارشناسی در هر وزارتخانه برای تعیین اطلاعات قابل طبقه بندی را مشخص کرد. همچنین شیوه توزیع فهرست های اطلاعات طبقه بندی شده در میان اشخاصی که با اطلاعات طبقه بندی شده سروکار دارند و آئین های لازم برای تجدیدنظر در فهرست ها برای به روز ساختن آنها از نکاتی است که در این تصمیم مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۱: اصول و موازین ناظر بر اسرار دولتی

با تامل در اسناد و موازین بنی المللی ناظر بر آزادی اطلاعات و مطالعه تطبیقی قوانین و مقررات کشورهای که در حمایت از شفافیت و آزادی اطلاعات به وضع یا اصلاح قوانین اسرار دولتی مبادرت کرده اند اصول و موازین یبه شرح زیر به دست می آید که به نظر می رسد در تدوین و تفسیر قوانین و مقررات راجع به اسرار دولتی باید از آنها الهام گرفت تا در عین حمایت از منافع ناشی از طبقه بندی برخی اطلاعات دولتی، منافع ناشی از آزادی اطلاعات نیز تامین شود. این اصول و موازین عبارتند از:

^۱ - قاضی، ابولفضل، ۱۳۷۰، حقوق اساسی و نهاد های سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۲۶.

۳-۱: مشروط بودن محدود کردن آزادی اطلاعات به استناد اسرار دولتی

بند «د» اصل اول از مجموعه اصول ژوهانسبورگ می گوید که نباید بر مبنای امنیت ملی هیچ گونه محدودیتی بر آزادی اطلاعات تحمیل شود مگر آنکه اثبات شود وضع آن محدودیت به تجویز قانون بوده و در یک جامعه دموکراتیک برای حمایت از منافع مشروع ناشی از امنیت ملی ضرورت دارد.^۱

۳-۱-۱: وضع محدودیت باید به توصیه قانون باشد

یعنی تمام محدودیت های وارد بر آزادی اطلاعات باید به حکم قانون باشد. این قانون باید قابل دسترسی و غیرمبهم بوده و با چنان دقتی تنظیم شده باشند که افراد با توجه به آنها به آسانی بتوانند اعمال قانونی را از غیرقانونی تشخیص دهند.

۳-۲-۱: ضروری بودن محدودسازی آزادی اطلاعات برای یک جامعه دموکراتیک

بدین معناست که حکومت باید برای محدود کردن آزادی اطلاعات اثبات کند که:

- ۱) اطلاعات مورد بحث یک تهدید جدی علیه منافع مشروع امنیت ملی به شمار می رود.
- ۲) محدودیت تحمیل شده، آخرین وسیله محدود کننده ممکن برای حمایت از آن منافع می باشد.
- ۳) محدودیت وضع شده با اصول دموکراتیک سازگار است.

۳-۳-۱: منافع ناشی از امنیت ملی باید مشروع باشد:

۱) محدودیتی که بر مبنای امنیت ملی بر آزادی اطلاعات اعمال می شود مشروع نیست مگر آنکه مقصود واقعی و اثر قابل اثبات آن عبارت باشد از حمایت از موجودیت یک کشور یا تمامیت سرزمینی آن در برابر استفاده از زور و یا تهدید به استفاده از زور خواه از سوی منابع خراجی نظیر یک تهدید نظامی و خواه از سوی عوامل داخلی نظیر تحریک به سرنگونی خشونت آمیز حکومت.

۲) محدودیت وارد بر آزادی اطلاعات مشروع نیست اگر هدف واقعی آن، حمایت از منافع غیرمرتبط با امنیت ملی نظیر حمایت از مقامات دولتی در برابر افشای خطا کاری ها، اخفای اطلاعات راجع به سوء عملکرد نهادهای عمومی باشد.^۲

۳-۴-۱: تعیین اصول حاکم بر طبقه بندی اسرار دولتی

باتوجه به اینکه تطبیق قواعد کلی قانون اسرار دولتی بر مصادیق خاص آنها کار بسیار دشوار و حساسی است قوانین اسرار دولتی اکثر کشورها به اصول خاصی در زمینه طبقه بندی اسرار دولتی تصریح کرده و

^۱ . The Johannesburg principles on national security, freedom of expression and access to information.

^۲ - کاظمی، علی اصغر، زنجیره تنازع در سیاست و روابط بین الملل، تهران، نشر قوس، ص ۷۴.

موسسات و ماموران مجری قانون را مکلف ساخته اند که باتوجه به آن اصول به طبقه بندی اسرار دولتی اقدام کنند. این اصول درصدد حمایت از اطلاعاتی هستند که واقعاً با امنیت ملی ارتباط دارند ضمن اینکه با منع طبقه بندی های خودسرانه و سلیقه ای، به طور غیرمستقیم به حمایت از آزادی اطلاعات نیز می انجامند. برخی از این اصول عبارتند از:

۱-۴-۱: اصل قانونی بودن طبقه بندی

یعنی تنها آن دسته از اطلاعاتی که در یکی از مقوله های اسرار دولتی قرار می گیرند قابل طبقه بندی هستند و مقام طبقه بندی کننده باید دقیقاً مشخص کند که با استناد به کدام مقوله یا زیرمجموعه های آن، کار خود را انجام می دهد. روی دیگر سکه قانونی بودن طبقه بندی آنست که طبقه بندی برخی اطلاعات باید ممنوع اعلام شده و مقام طبقه بندی کننده به هنگام انجام وظیفه باید به فهرست اطلاعاتی که طبقه بندی آنها ممنوع می باشد نیز توجه کند.^۱

۱-۴-۲: اصل مستدل بودن طبقه بندی

یعنی تنها اطلاعاتی را می توان به عنوان اسرار دولتی طبقه بندی کرد که افشای آنها برای امنیت ملی یا ایفای وظایف سازمان های دولتی، خطر بزرگ و خسارت سنگینی به دنبال داشته باشد. لذا به بهانه های واهی نمی توان اقدام به طبقه بندی اطلاعات کرد. از این اصل در برخی قوانین خارجی به اصل مصلحت و مقتضی بودن طبقه بندی نیز یاد شده است.

۲. وضعیت اسرار دولتی در ایران و تاثیر آن بر آزادی اطلاعات

وضعیت حقوقی اسرار دولتی در ایران را می توان از دو زاویه مورد نقد و بررسی قرار داد: از یک سو، قوانین و مقررات مربوط به اسرار دولتی در زمینه برخی از اصول و قواعد اسرار دولتی ساکت است. از سوی دیگر، حاوی مقرراتی است که با ایراد مواجه بوده و نیاز به بازنگری دارند. به دیگر سخن، از یک زاویه، خلاءهایی در نظام حقوقی ایران درخصوص اسرار دولتی وجود دارد که باید آنها را شناخت و قواعد مناسبی برای رفع آنها پیشنهاد داد و از زاویه دیگر باید به رفع ایرادهای قوانین و مقررات موجود و اصلاح آنها اقدام کرد.

۲-۱: خلاءهای قانونی

عمده ترین خلاءهایی که در نظام حمایت از اسرار دولتی به چشم می خورد عبارتند از:

^۱ -همان، ص ۶۷.

۱-۱-۲: نبود قانون جامع

در نظام حقوقی ایران قانونی جامع در زمینه اسرار دولتی وجود ندارد. در وضع کنونی، نظام بندی مقوله های مختلف اسرار دولتی، تابع «قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی» مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹ و آئین نامه طرز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه بندی و نحوه مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۱ هیات وزیران، قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ می باشد. قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی تنها به ارائه تعاریفی از اسناد دولتی سری و محرمانه بسنده کرده و برای افشای آنها مجازات های کیفری پیش بینی کرده است.

تبصره ۳ ماده ۲۶ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح اعلام کرده است که طبقه بندی و تغییر طبقه بندی اسناد و مدارک، مذاکرات، تصمیمات و اطلاعات و طرز نگاهداری اسناد طبقه بندی شده به موجب دستورالعملی خواهد بود که توسط ستاد کل نیروهای مسلح تهیه شده و به تصویب فرمانده کل قوا خواهد رسید.

۲-۱-۲: نامحدود بودن مدت طبقه بندی

یکی دیگر از خلاءهای مقررات فوق، عدم پیش بینی مدت برای طبقه بندی اطلاعات است. ماده ۴ آئین نامه طرز نگاهداری اسناد سری و ... به تغییر طبقه یا از طبقه بندی خارج شدن اسرار دولتی اشاره کرده ولی این امر را به تشخیص هر یک از سازمان ها واگذار کرده است. با توجه به فرهنگ اسرارگرایی که همانند بسیاری از کشورها در ایران نیز حاکم شده است پیش بینی اینکه تشخیص سازمان های ذیربط چه خواهد بود چندان دشوار نیست. علاوه بر این، تبصره ۳ ماده ۲۶ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز تنها از تغییر طبقه بندی اطلاعات سخن گفته و از طبقه بندی خارج ساختن آنها سخنی به میان نیاورده است.^۱

۳-۲-۱: عدم تعیین اطلاعات غیر قابل طبقه بندی

یکی از مقررات مهم قانون اسرار دولتی که برای جلوگیری از خودرایی مسئولان طبقه بندی کننده اسرار دولتی پیش بینی می شود غیر قابل طبقه بندی اعلام کردن برخی اطلاعات است. در نظام حقوقی ایران، متن قانونی یا آئین نامه ای خاصی در این زمینه وجود ندارد. همین امر سبب شده است که موسسات عمومی به آسانی بتوانند اطلاعاتی را که تولید یا وصول می کنند با یکی از مهرهای چهارگانه طبقه بندی، از سترس شهروندان خارج کنند.

^۱ - سنجابی، کریم، ۱۳۳۴، حقوق اداری، چاپ اول، تهران، انتشارات هدایت، ص ۱۳۴.

۴-۲-۱: نبود مقررات درباره حق دسترسی شهروندان به اسرار دولتی

در نظام کنونی، مقرراتی درباره حق دسترسی شهروندان به اطلاعاتی که به عنوان اسرار دولتی طبقه بندی شده اند وجود ندارد.

در حالی که در نظام حقوقی ایران حکم خاصی در این باره وجود ندارد. در ماده ۳ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی از عبارت به کسی که صلاحیت طلاع بر آن ندارد استفاده شده و در تبصره ماده ۶ آئین نامه طرز نگهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و ... از عبارت کسی که لازم نیست سند سری یا محرمانه را رویت کند استفاده شده است. ولی مشخص نشده است که چه کسی صلاحیت اطلاع بر اطلاعات طبقه بندی شده را دارد و یا چه کسی لازم است سند سری یا محرمانه را رویت کند یا از مفاد آن مطلع شود. اینکه آیا شهروندان می توانند در زمره اشخاص صلاحیت دار برای اطلاع از اسناد طبقه بندی شده باشند یا اینکه چگونه می توان فهمید که آیا لازم است یک شهروند از اطلاعات طبقه بندی شده مطلع شود یا خیر، مسکوت مانده است.^۱

۳: ضرورت حمایت از حریم خصوصی و حفظ اسرار دولتی در حقوق ایران و تطبیقی

با آنکه مطالعه تاریخی نشان می دهد مسئله حریم خصوصی کم و بیش در همه جوامع مطرح بود است، اما دغدغه حمایت از حریم خصوصی از دغدغه های جدی جوامع امروز و زاینده تحولات مختلف سده اخیر است که در همه جوامع ابا کمی دیر و زود به وقع پیوسته یا در حال وقوع اند. یکی از این تحولات، شناسایی «هویت فردی» و حقوق و آزادی های ملازم با آن است. در گذشته، فرد انسانی در پس نظامات سیاسی، اجتماعی، شبه دینی و فلسفی قرار داشت اما در جوامع امروز، انسان سوژه ای خودمختار و دارای هویت و هستی مستقل از نظامات کلی شناخته می شود که دارای حقوق و آزادی های ذاتی است. این هویت مستقل می تواند در خصوص کم و کیف روابطش با جامعه و دولت تصمیم گیری کند و حوزه ای برای خود تعریف کند که مصون از تعرض جامعه و دولت باشد.

علاوه بر تحولات نظری، نقش تحولات علمی و فنی در اهمیت یافتن حریم خصوصی بسیار چشمگیر بوده است. تحولات علمی و فنی سبب شده است به دست آوردن، ضبط و نگهداری حجم انبوهی از اطلاعات خصوصی افراد به آسانی و با روش های مختلف پنهانی و آشکار ممکن شود. به طوری که اکنون بسیاری از دستگا های دولتی و متصدیان مشاغل خصوصی نظیر شرکت ها، بانک ها و فروشگاه ها به دلایل

^۱ - سخی، زهرا، ۱۳۸۹، آزادی دسترسی به اطلاعات در ایران، تهران، انتشارات هدوی، ص ۲۶۱.

متعدد و با استفاده از وسایلی نظیر تلویزیون های مدارسته و دوربین های ویدئویی، بر اعمال و رفتار و گفتار کارکنان و ارباب رجوع و مصرف کنندگان، نظارت های سمعی و بصری دارند. این نگرانی وجود دارد که آنها از اطلاعاتی که خواسته یا ناخواسته جمع آوری می کنند سوءاستفاده کنند و به ویژه آن اطلاعات را به ضرر افرادی که اطلاعات به آنها مربوط می شود به کار برند.^۱

باتوجه به تهدیدهای فزاینده ای که از جانب افراد عادی جامعه، بخش خصوصی و دولت علیه حریم خصوصی وجود دارد ضرورت حمایت از حریم خصوصی بیش از پیش احساس می شود. هدف از این حمایت عمدتاً عبارت است از دفاع از آزادی و استقلال فردی و آبرو و حیثیت افراد.

پژوهش نشان می دهد که حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی از قدمت بسیار برخوردار است و مقوله ای مختلف این حق با مبانی متعدد و محکمی مورد حمایت قرار گرفته است. حریم خصوصی پیش از آنکه در غرب و کنوانسیون ها و اسناد بین المللی حقوق بشر پیش بینی شود با تاکید بسیار زیادی در منابع اسلامی مورد توه واقع شده است. در منابع اسلامی نظیر قرآن، سنت و اجماع، احکام متعددی در خصوص مقوله های مختلف حریم خصوصی وجود دارد. البته، اصطلاح «حریم خصوصی» نه در آیات قرآن و نه در روایات اسلامی استعمال نشده و موضع اسلام در حریم خصوصی در قالب احاله به حقوق و آزادی های دیگر حمایت شده است.

با وجود این، متأسفانه نه در نظام حقوقی ایران و نه در نظام حقوقی سایر کشورهای مسلمان، چه در تدوین و مقررات مختلف مرتبط با حریم خصوصی و چه در رویه های عملی، اهمیت این حق و آثار ناشی از آن در روابط افراد با یکدیگر و با حکومت چنان که باید درک نشده و حمایت های لازم از آن صورت نگرفته است. احکام تکلیفی بسیار زیادی که در حمایت از حریم خصوصی وجود دارند و قابلیت تبدیل به احکام وضعی داشته اند مورد بی توجهی قرار گرفته اند و حتی در عمل، قواعد وضعی مخالف با احکام مذکور لازم الاجرا شناخته شده اند.^۲

در نظام حقوقی ایران نیز حریم خصوصی به صورت مشخص و معنون حمایت نشده است. موضع حقوق موضوعه ایران نسبت به حریم خصوصی یک موضع تحویل گرایانه است. یعنی حقوق آزادی هایی که تحت عنوان حریم خصوصی قابل حمایت هستند غالباً به طور ضمنی و در بطن قواعد مختلف هر چند

^۱ - احمدی، احمد، ۱۳۸۷، نقض حریم خصوصی، چالشی فراروی پیشگیری وضعی از وقوع جرم، مطالعات پیشگیری از

جرم، بهار، شماره ۶، ص ۹.

^۲ - انصاری، همان، ص ۱۵۴.

به طور ناقص مورد حمایت قرار گرفته اند. برای مثال، در مواد ۶۰۴ و ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی می توان حمایت ضمنی از داده های شخصی را مشاهده کرد. ماده ۶۰۴ می گوید:

هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری نوشته ها و اوراق و اسنادی را که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آنها داده شده است، معدوم یا مخفی نماید یابه کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می باشد علاوه بر جبران خسارت وارده، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

طبق ماده ۶۴۸ نیز:

«اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند».

۳-۱: تاثیر حمایت از حریم خصوصی بر آزادی اطلاعات

ارتباط میان آزادی اطلاعات و حریم خصوصی درباره اطلاعاتی مطرح می شود که به داده های شخصی موسوم هستند. در واقع، داده های شخصی، جزئی از قلمرو حرین خصوصی افراد را تشکیل می دهند. توضیح آنکه هر یک از افراد جامعه خواسته یا ناخواسته داده های زیادی را در اختیار دولت و برخی از موسسات بخش خصوصی قرار می دهد. در بسیاری از موارد، ارائه این داده ها لازمه دسترسی شهروند به خدمات عموم یاست. برای مثال، استفاده از خدمات بانکی، پزشکی و بهداشتی، آموزشی و تحصیلی، خدمات آب و برق و گاز و تلفن، استخدام در دستگاه دولتی یا خصوصی منوط به آن است که داده های شخصی متقاضی در اختیار دولت یا بخش خصوصی قرار گیرد. دسترسی به چنین داده هایی برای رعایت مساوات در برخورداری از خدمات عمومی و مبارزه با تبعیض و درنهایت، توزیع عادلانه خدمات عمومی ضروری است.^۱

دو خطر و تهدید جدی در جمع آوری و استفاده از این داده ها وجود دارد: از یک سو، ممکن است داده هایی که ملازمه ای بین آنها و ارائه خدمات عمومی وجود ندارد جمع آوری شود و از سوی دیگر، داده هایی که با وجود ملازمه منطقی جمع آوری شده اند برای اهداف دیگری غیر از ارائه خدمات عمومی به کار روند و درنهایت، از امور مادی یا معنوی شخصی که داده ها به او مربوط است سوءاستفاده شود. باتوجه به اینکه سوءاستفاده از داده های شخصی غالباً بدون اطلاع شهروند صورت می گیرد او از آسیب های مادی و معنوی

^۱ - جعفری، عباس، ۱۳۸۵، بررسی حق حریم خصوصی (قسمت اول)، مجله تعالی حقوق، شماره ۱، ص ۱۳۱.

پنهانی و تدریجی که به تمامیت مادی یا معنوی اش وارد می شود بی خبر مانده، نمی تواند دفاع و واکنش متناسبی نشان دهد و این هجمه ای بزرگ به آزادی، استقلال و کرامت انسانی است. در میان اسناد بین المللی، دستور العمل شورای اروپا در حمایت از داده های شخصی^۱ مهمترین سندی است که درباره داده های شخصی تصویب شده و الگوی بسیاری از کشورها در تهیه و تصویب مقررات راجع به حمایت از داده ها قرار گرفته است. به همین دلیل، در اینجا نیز نکات مهم این سند مورد توجه و بررسی قرار می گیرد. ماده یک این دستور العمل، هدف از آن را حمایت از حقوق بنیادین و آزادی های اشخاص حقیقی و به ویژه حق حریم خصوصی آنها دانسته و حمایت از داده ها را حمایت از حقوق بشر تلقی کرده است.

برخی کشورهای اروپایی نظیر هلند، پرتغال و اسپانیا^۲ مقررات خاصی در حمایت از داده های شخصی در قوانین اساسی خود پیش بینی کرده اند و تا حد زیادی از این حق به صورت منحصر به فرد که رژین حقوقی خاصی دارد، حمایت کرده اند. البته در برخی از قوانین عادی و نیز آرای قضایی خود حمایت از داده های شخصی را به حمایت از برخی حقوق دیگر نظیر حق حریم خصوصی (پرتغال و هلند) یا حریم خصوصی و خوادگی و آبرو و شرف (اسپانیا) یا به حق کلی حمایت از شخصیت افراد (هلند) احاله داده اند. در اتریش حمای از داده های شخصی در قالب حق بر محرمانگی داده های شخصی در قانون اساسی حمایت شده گاه نیز به حق زندگی خصوصی استناد شده است.^۳

۲-۳: اصول حمایت از داده های شخصی

با فرض اینکه مفهوم داده شخصی معلوم باشد این پرسش به میان می آید که چه تدابیر و تمهیداتی برای حمایت از حریم این داده ها لازم است. در پاسخ به این پرسش، اصولی ارائه شده است که کم و بیش در کشورهای مختلفی که نظام خاص برای حمایت از داده ها طراحی کرده اند مورد پذیرش و توجه خاص است. طبق این اصول، جمع آوری داده های شخصی، استفاده از آنها، به گردش انداختن آنها، نگهداری از آنها و امکان دسترسی افراد به داده های شخصی خود از جمله نکات بسیار مهم در طراحی نظام حمایت از داده هاست.^۴

^۱ Council of Europe convention for the protection of individuals with regard to Automatic processing of personal data.

^۲ Data protection Act available at.

^۳ Sui generis right.

^۴ - طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۸۲، آزادی های عمومی و حقوق بشر، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۳۶.

۱-۲-۳: جمع آوری داده‌های شخصی

طبق این اصل، باید از جمع آوری گسترده داده‌های شخصی افراد پیشگیری کرد. داده‌های شخصی به قلمرو خصوصی افراد تعلق دارند و از استثناهای دسترسی آزاد به اطلاعات محسوب می‌شوند. بنابراین، موسسات عمومی و موسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند، تنها در صورت ضرورت می‌توانند این اطلاعات را جمع‌آوری کنند. جمع‌آوری اطلاعات با این ذهنیت که ممکن است روزی به کار آیند ممنوع است. همچنین، اطلاعات باید تا آنجا که ممکن است از افرادی که داده‌ها به آنها مربوط می‌شود و در غیر این صورت از منابع موثق و معتبر جمع‌آوری شوند.

در این خصوص، مجموعه اصول ناظر بر داده‌های شخصی در مشترک المنافع استرالیا می‌گوید:

الف) (سازمان‌های دولتی) موسسات عمومی نباید اقدام به جمع‌آوری اطلاعات شخصی کنند، مگر اینکه آن اطلاعات برای انجام وظایف و فعالیت‌های آنها ضروری باشد.

ب) موسسات عمومی باید اطلاعات شخصی را تنها با استفاده از وسایل قانونی و شفاف و نه با روش‌های عرفاً مزاحمت‌آمیز جمع‌آوری کنند.

ج) هنگام جمع‌آوری اطلاعات شخصی درباره اشخاص یا پس از انجام این امر، موسسات عمومی باید گام‌های معقولی جهت تضمین آگاهی افراد از موارد زیر بردارند:

۱. هویت موسسه عمومی و چگونگی تماس با آن

۲. این امر که او می‌تواند به آن اطلاعات دسترسی داشته باشد.

۳. اهداف و مقاصد جمع‌آوری اطلاعات

۴. اشخاصی که موسسات عمومی، اطلاعات را به آنها افشا خواهند کرد.

۵. هر نوع قانونی که جمع‌آوری اطلاعات خاص را لازم می‌شمارد.

۶. اگر کل اطلاعات یا بخشی از آن ارائه نشود چه عواقب مهمی برای افراد به دنبال خواهد داشت.

د) اگر معقول و عملی باشد موسسات عمومی باید اطلاعات شخصی درباره فرد را از همان فرد به دست آورند.

۲-۲-۳: استفاده از داده‌های شخصی

پس از جمع‌آوری داده‌های شخصی این خطر وجود دارد که از آنها برای مقاصد مختلفی که در ابتدا مورد نظر نبوده است استفاده شود. برای مثال، یک شرکت مخابراتی ممکن است داده‌های مشترکان خود را مستقیم یا غیرمستقیم در اختیار شرکت‌های تجاری قرار دهد تا برای اهداف تبلیغاتی از آنها استفاده کنند. یا شرکت پست ممکن است داده‌های برخی افراد را در اختیار موسسات خصوصی که در زمینه مذکور فعالیت می‌کنند قرار دهد تا بسته‌های تبلیغاتی آنها به منزل افرادی که در آزمون ثبت نام کرده‌اند سرازیر

شود. حتی خود شرکت پست ممکن است وسیله ای برای اجرای معنویات تبلیغاتی اشخاص مختلف قرار گیرد و از داده های بسیار باارزشی که در اختیار دارد در این زمینه استفاده کند. همین وضعیت در مورد ارائه دهندگان خدمات اینترنتی وجود دارد. بنابراین، باید نسبت به هرگونه سوءاستفاده از داده های شخصی حساس بود و تدابیر خاصی برای این امر اندیشید.

۳-۳: حمایت از رایزنی ها و همفکری های مقامات حکومتی، اسناد داخلی و تصمیمات ناتمام

۳-۳-۱: فراهم ساختن فضای آرام و غیرعلنی برای مقامات حکومتی^۱

فراهم ساختن فضای لازم برای همفکری و رایزنی بی پرده بین مسئولان و مقامات حکومت و ایجاد شرایط لازم بای دولت و ادارات آن جهت تدبیر و تامل قبل از تصمیم گیری یکی از مناقشه برانگیزترین موضوعات آزادی اطلاعات است.

موافقان با وجود چنین فضایی استدلال می کنند که حکومت نیازمند یک فضای محرمانه است تا اطلاعات و اسناد خود را پیش از آن که در سطح همگانی منتشر شوند با آرامش و امنیت، تنظیم و نهایی کند. هدف از این محرمانگی، حمایت از کیفیت کار و تعامل بین مسئولان و اجتناب از اعمال نفوذها و فشارهای زود هنگام بر آنهاست.^۲

علاوه بر این، همواره تاکید می شود که حکومت باید یک زبان داشته باشد نه چند زبان. به دیگر سخن، حکومت باید در قبال مسائل و مشکلات جامعه، موضع و جبهه واحدی داشته باشد. عقیده بر آن است که فضای محرمانه این امکان را فراهم می سازد که دیدگاه ها و نظرات مختلف مسئولان در جلسات خصوصی آنها بحث شود و پس از تفاهم بین آنها، راه حل و تصمیم پیشنهادی با تعابیر نسبتاً یکسان به مردم اطلاع رسانی شود. وجود زبان های مختلف در دولت، به امنیت حقوقی، آسیب می زند. نشان دهنده آن است که دولت دچار آشفتگی درونی است و تابعان قوانین و مقررات و تصمیمات عمومی را در اجرای آنها منفعل می سازد. برای مثال، اگر دولت تصمیمی را با اکثریت آراء بسیار پائین اتخاذ کند اعلام این امر که نزدیک به نصف هیات وزیران با این تصمیم مخالف بوده اند اعتقاد مجربان آن تصمیم را به اجرای جدی آن، متزلزل می سازد.

از سوی دیگر، مخالفان معتقدند که استثناهای آزادی اطلاعات برای برآورده ساختن هدف های موافقان کافی است و شناسایی چنین استثنایی ضرورت ندارد. به اعتقاد اینان، ادعای اینکه محرمانگی فضای فکری دولت و ادارات آن، به افزایش کیفیت اداره امور منجر می شود با یک ایراد اساسی مواجه است و آن تقلیل مشارکت شهروندان است. توضیح بیشتر آنکه مشارکت شهروندان در همان لحظه های اول تصمیم گیری و

^۱ . Space to think

^۲ . Achim Berge.

به عبارت بهتر در مرحله تصمیم سازی، بیشتر از محرمانگی موردنظر موافقان به تصمیم گیری های بهتر دولت و افزایش کیفیت اداره امور کمک م یکنند. این مشارکت سبب می شود نظرها و پیشنهادهای مختلف به دولت ارایه شود و مقامات حکومتی را در تصمیم گیری های خود یاری دهد. همچنین عدم محرمانگی و مشارکت دادن مردم در هنگام اتخاذ تصمیمات به کارآمدی نیز منجر می شود. زیرا دولت از همان ابتدا با عقایدی که در مخالفت با تصمیم یا طرح موردنظر او ارایه شده اند یا خواهند شد آگاه می شود و از همان زمان واکنش های آتی را پیش بینی کرده و راه حل های مناسب را تمهید می کند.^۱

۲-۳-۳: عدم ضرورت دسترسی به اسناد داخلی و تصمیمات ناتمام

همان طور که اشاره شد در قوانین بسیاری از کشورها، اسنادی که در موسسات عمومی برای استفاده داخلی تهیه می شوند از شمول حق دسترسی به اطلاعات مستثنا هستند. منظور از این اسناد، انواع اسنادی است که به صورت دست نوشته یا تایپ شده، در قالب ها و تشریفات اداری یا بدون هرگونه تشریفات اداری، تهیه شده و به منظور کمک به تصمیم گیری، ارائه نظر و مشورت و همفکری درباره امری خاص، توصیه در مورد چیزی یا انتقاد از امری، در اختیار موسسات عمومی قرار دارند. علاوه بر این، کلیه پیش نویس های تصمیمات و دستورات و احکام اداری، گزارش ها، ارزیابی ها و حسابرسی ها و گزینش ها که هنوز در مورد آنها تصمیم قطعی و نهایی اتخاذ نشده است ممکن است از قلمرو آزادی اطلاعات استثنا شوند. دلیل این استثنا آن است که از یک سو، تنها اسناد تولید شده مشمول آزادی اطلاعات هستند و اسناد مذکور هنوز اسناد تولید شده نیستند. از سوی دیگر، همواره محتمل است که موسسات عمومی پیش از نهایی شدن این اسناد، تغییراتی در آنها بدهند. انتشار زود هنگام این اسناد ممکن است ابتکار و آزادی عمل موسسات عمومی را در اعمال تغییرات موردنظر، از آنها سلب کند و آنها را قبل از آنکه تصمیم گیری کرده باشند در معرض مواخذه و انتقاد قرار دهد. همچنین، گفته می شود که مدیریت ادارات دولتی با آزادی مسولان این ادارات در تعیین فرایندهای داخلی تصمیم سازی و تصمیم گیری ملازمه دارد و به دیگر سخن، برخی اسناد صرفاً استفاده داخلی دارند و لزومی ندارد که به طور عمومی در دسترس قرار گیرند. علاوه بر این، برخی معتقدند که مقوله دیگری از اسناد و اطلاعات که به مذاکرات^۲ و گفتگوهای بین مقامات و موسسات عمومی مربوط می شوند باید از شمول آزادی اطلاعات استثنا شوند. تنها دولت سوئد با این استثنا مخالف است و

^۱ - جعفری تبار، حسن، ۱۳۸۵، نسبت آزادی و قانون در حکومت قانون و جامعه مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ص ۱۲۴.

^۲ Confidentiality of deliberations

مستثنا کردن اسناد مقدماتی را برای برآورده کردن این هدف کافی می‌داند. به اعتقاد این دولت، وضع محدودیت بر مذاکرات و گفتگوها به معای مضاعف ساختن محرمانگی اسناد کاری و مقدماتی است. در مقابل، مخالفان استثنای مذکور بر منافع شفافیت تاکید دارند و این منافع را در مقایسه با منافع ناشی از محرمانگی اسناد داخلی بیشتر می‌دانند. باتوجه به این که هم استدلال‌های موافقان و هم استدلال‌های مخالفان از استحکام لازم برخوردار است برخی صاحب نظران آزادی اطلاعات معتقدند که برای داوری بین دو نظر فوق باید به کیفیت پیش بینی این استثنا در قانون توجه شود. اگر چنین استثنایی در قالب یک قاعده یا عبارت کلی نامتین و مبهم در قانون گنجانده شود مطمئناً هزینه‌های آن از منافعش بیشتر خواهد شد. بنابراین، بهتر است بین اسناد به مفهوم اخص و اطلاعات به مفهوم اعم تمایز قایل شده و در مورد اسناد، از میان دو اصطلاح «اسناد مقدماتی» و «اسنادی که برای استفاده داخلی» تهیه شده اند، اصطلاح اولی را بر دومی ترجیح داد. قاعده‌ای که قانون سوئد از آن پیروی کرده است. مزیت چنین تدبیری آن است که وضعیت‌های متفاوتی را در برمی‌گیرد و استثنا را هم به لحاظ قلمرو شمول محدود می‌کند و هم از نظر مفهوم و معنا واضح و روشن می‌سازد. اصطلاح اسناد مقدماتی به خود اسناد مربوط می‌شود و در واقع، وصف سند است در حالی که اصطلاح استفاده داخلی به نوع استفاده برمی‌گردد که در مقایسه با اصطلاح اول بسیار مبهم، نسبی و قابل تفسیر است. بر این اساس، اسناد مقدماتی، وصف مقدماتی خود را از دست خواهند داد اگر از قلمرو کنترل تولیدکننده خود خارج شوند و برای مثال از وزارتخانه‌ای به وزارتخانه دیگر ارسال شوند. لذا دولت و ادارات آن فرصت زیادی برای پنهان و محرمانه نگهداشتن اسناد مقدماتی نخواهند داشت. به عبارت دیگر، اسناد مقدماتی، بالاخره، از حالت مقدماتی خارج می‌شوند و همراه با تصمیم نهایی و به عنوان پشتوانه توجیهی آن قابل دسترسی قرار می‌گیرند اما اسنادی که به بهانه استفاده داخلی غیرقابل دسترسی اعلام می‌شوند ممکن است برای همیشه این وصف خود را حفظ کنند. در خصوص غیرعلنی ساختن مذاکرات و گفتگوهای مقامات و موسسات عمومی نیز همان طور که برخی صاحب نظران گفته اند باید باتوجه به چند نکته اساسی، بین این دو نفع متعارض یعنی محرمانگی مذاکرات و برقراری شفافیت سازش ایجاد کرد. نکته اول آن است که مستثنا کردن اسناد مقدماتی به معنای فراهم ساختن فضای محرمانگی برای مذاکرات در لحظه‌های اولیه می‌باشد. بنابراین، نیازی به استثنای جدید نیست. نکته دوم آنکه، گاهی استثناهای دیگری می‌تواند برای برآورده ساختن این هدف مناسب باشند که در این صورت استفاده از آنها بهتر است. سوم آنکه، بین نفر جلسات و نشست‌ها و اسنادی که در آن جلسات تولید می‌شود تفاوت وجود دارد. بدین صورت که ممکن است جلسه محرمانه باشد ولی سندی که در آن تولید می‌شود محرمانه نباشد. این سخن بدین معناست که امکانات و فروض مختلفی برای حمایت از محرمانگی

مذاکرات وجود دارد بدون آن که پیش بینی استثنای جدید موردنیاز باشد. لذا، باتوجه به نکات مذکور، محرمانگی مذاکرات، عملاً نمی تواند استثنای موسعی بر آزادی اطلاعات وارد کند.^۱

نتیجه گیری

اگرچه قانونگذار ایرانی به تناوب راجع به قانونمند کردن جریان اطلاعات دولتی اقدام کرده است اما چون این اقدامات براساس معکوس کردن قاعده با استثنا صورت گرفته، موفق نبوده است. به عبارتی با اصل قرار گرفتن عدم دسترسی آزاد، اقدامات قانونگذار ایرانی صرف دسترسی آزاد شده است. روشن است که در این صورت ما به قوانین متعدد و گسترده آزادی اطلاعات نیاز داریم و نه فقط قانون آزادی اطلاعات همچنین باتوجه به این که نظام اداری پاسخگو را می توان نوعی نظام اداری مدرن به شمار آورد. کارایی و کیفیت پایین کارکردهای یک سازمان می تواند، نشان دهنده اداره یک سازمان به وسیله افراد ناشایست باشد. مهمترین عامل تاثیرگذار بر امر پاسخگوی مدیران و کارکنان شاغل در نظام اداری کشور ما بازرسی و اصلاح اداری است. پیشنهاد می شود که در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران وقت و زمان بیشتری در امر برنامه ریزی در زمینه های بازرسی و اطلاع نقاط ضعف، همراه با آینده نگری در جهت افزایش میزان تجزیه تحلیل مسایل، نیازها و مشکلات اداری و پیش بینی نتایج حاصل از تصمیم گیری های اداری شوند. نظارت بر اعمال اداری و رفتار کارکنان دقیق و به طور مستمر صورت گیرد. و در هنگام تخطی کارکنان اداری با اعمال قانون تخلفات اداری با آنها برخورد گردد. همچنین اگر با افزایش و ایجاد زمینه های استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات مدرن در باب شیوه های اجرایی، که از آن به عنوان دولت الکترونیک تعبیر می شود. امر کارایی نظام اداری را به سمت نظام اداری مطلوب سوق داد. اگر با تصویب و اجرای درست قوانین آزادی اطلاعات همراه شود، به میزان موثری بر کارآمدی نظام اداری کشورها افزوده خواهد شد و این اصل باعث کاهش هزینه های اجرایی نیز می شود. در واقع یک نظام اداری و قانونگذاری شفاف و کارآمد نظامی خواهد بود که امکان بصیرت را برای شهروندان خود فراهم آورد. دسترسی آسان مردم به اطلاعات موجود در موسسات و نهادهای عمومی، امکان بصیرت همگانی را در یک سطح پیشرفته و موثر فراهم می آورد. چنین باورهایی در میان بیشتر مدیران و کارمندان نظام اداری کشور وجود دارد، که خود را در برابر مردم پاسخگو نمی دانند و از آرایه اطلاعات صحیح به افراد مراجعه کننده سر باز می زنند و متأسفانه مانع بزرگی در زمینه کارایی نظام اداری و در نتیجه عدم رعایت کامل حقوق شهروندی در کشور گردیده است.

^۱ - بوشهری، جعفر، ۱۳۸۴، حقوق اساسی، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ص ۱۵۵.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۴). «چالش کارآمدی»، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۱
اداره کل تنقیح و تدوین قوانین و مقررات. مجموعه لوائح قانونی مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی
ایران، تهران، مجلس شورای اسلامی
- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۹). **ضرورت تصویب قانون آزادی اطلاعات**، تهران: نشر پژوهش.
- امامی، محمد (۱۳۸۸). **حقوق اداری**، تهران: انتشارات میزان.
- انصاری، باقر (۱۳۸۷). **آزادی اطلاعات**، تهران: انتشارات دادگستر.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۳). **دانشنامه سیاسی**، تهران: انتشارات مروارید.
- برزین، مسعود (۱۳۸۰). **تجزیه و تحلیل آماری مطبوعات ایران**، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمد جواد (۱۳۸۴). **مقدمه عمومی علم حقوق**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حجتی اشرفی، غلامرضا (۱۳۶۵). **مجموعه قوانین اساسی - مدنی**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- خانلو، حسین (۱۳۸۷). **حق آزادی بیان در نظام بین المللی و در قانون اساسی**، تهران: انتشارات نوین.
- رضاقلی زاده، بهرام (۱۳۸۹). **اهمیت جریان اطلاعات آزاد**، تهران: انتشارات میزان.
- رضیایی زاده، محمدجواد (۱۳۸۵). **حقوق اداری**، تهران: نشر میزان.
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸۶). **فرهنگ علوم اجتماعی**، تهران: انتشارات مازیار
- سخی، زهرا (۱۳۸۹). **آزادی دسترسی به اطلاعات در ایران**، تهران: انتشارات هدوی.
- سنجایی، کریم (۱۳۳۴). **حقوق اداری**، تهران: انتشارات هدایت، چاپ اول.
- صناعی، محمود (۱۳۸۱). **آزادی فرد و قدرت دولت**، تهران: انتشارات هرمس.
- طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۵). **حقوق اداری**، تهران: انتشارات جنگل.
- عامری، هوشنگ (۱۳۷۰). **اصول روابط بین الملل**، تهران: انتشارات موسسه انتشارات آگاه
- عباسی، محمود (۱۳۸۳). **حقوق و تخلفات اداری**، چاپ دوم، تهران: انتشارات حقوقی.
- فرشباف ماهریان، جواد (۱۳۸۹). «سیاست‌های کلی نظام اداری و تاثیر آن بر شایسته‌سالاری»، **مجله آزادی
اطلاعات**، شماره ۳۷.
- فصیحی شیرازی، حسین (۱۳۸۶). **قانون اساسی و متمم و ضمام آن**، تهران: سازمان مستقل چاپخانه دولتی.
- قاسمی، طهموری (۱۳۸۱). **نهضت امام خمینی و مطبوعات**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قاضی، ابولفضل (۱۳۷۰). **حقوق اساسی و نهاد های سیاسی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- کاظمی، علی اصغر (۱۳۸۵). *زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین الملل*، تهران: نشر قوس.
- گرچی ازندریانی، احمد علی (۱۳۸۸). *مبانی حقوق عمومی*، تهران: انتشارات جنگل.
- گرچی، علی اکبر (۱۳۸۳). «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، *حقوق اساسی*، سال دوم، شماره دوم گلکار، بهزاد (۱۳۸۸). «مروری بر مفاهیم شایسته سالاری»، *مجله توسعه مدیریت*، شماره ۱۷.
- محرومی، اسد الله (۱۳۸۸). «بلاغ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات»، *مجله اطلاعات نو*، شماره ۷.
- محمدپور، علی اکبر (۱۳۸۵). *حقوق بین المللی ارتباطات و اطلاعات مجموعه اسناد مهم*، تهران: نشر رهاورد.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۸۵). *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، تهران: انتشارات بعثت.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۴). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ سوم، تهران: انتشارات همراه.
- مرکز المیری، احمد (۱۳۸۵). *حاکمیت قانون مفاهیم و مبانی برداشت ها*، تهران: انتشارات دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- معتد نژاد، کاظم (۱۳۷۹). *وسائل ارتباط جمعی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- معتد نژاد، کاظم (۱۳۸۵). *مبانی حقوق مطبوعات*، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مطالعات و توسعه رسانه ها.
- واعظی، احمد (۱۳۷۸). *جامعه دینی، جامعه مدنی*، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.